

۱۰۴_ ای احبای الهی و اماء رحمن جمهور عقلاء بر آنند که تفاوت عقول و آراء از تفاوت تربیت و تعلیم آدابست یعنی عقول در اصل متساویست ولی تربیت و تعلیم آداب سبب گردد که عقول متفاوت شود و ادراکات متباین این تفاوت در فطرت نیست بلکه در تربیت و تعلیم است و امتیاز ذاتی از برای نفسی نیست.... انبیا نیز تصدیق این رأی را میفرمایند که تربیت نهایت تأثیر در بشر دارد ولی میفرمایند عقول و ادراکات در اصل و در فطرت نیز متفاوتست و این امر بدهی است قابل انکار نه چنانکه ملاحظه مینمائیم اطفالی هم سن و هم وطن و هم جنس بلکه از یک خاندان در تحت تربیت یک شخص پرورش یابند با وجود این عقول و ادراکاتشان متفاوت یکی ترقی سریع نماید و یکی پرتو تعلیم بطیء گیرد و یکی در نهایت درجه تدنی ماند خرف هر چه تربیت شود لؤلؤ لئلا نگردد و سنگ سیاه گوهر جهانتاب نشود و حنظل و زقوم بتعلیم و تربیت شجره مبارکه نگردد یعنی تربیت گوهر انسانیرا تبدیل نکند و لکن تأثیر کلی نماید و بقوه نافذه آنچه در حقیقت انسان از کمالات و استعداد مندمج و مندرج بعرصه ظهور آرد تربیت دهقان حبه را خرمن کند و همت باغبان دانه را درخت کهن نماید لطف ادیب اطفال دبستانرا باوج رفیع رساند و عنایت مربی کودک حقیر را بر سریر اثیر نشاند پس واضح و مبرهن گردید که عقول در اصل فطرت متفاوتست و تربیت را نیز حکمی عظیم و تأثیری شدید *